

منشاء های روز [اول ماه] مه چه هستند؟ (۱)

ایده‌ی فرخنده‌ی به کار بردن یک جشن تعطیل پرولتاری به عنوان وسیله‌ای برای اکتساب هشت ساعت در روز نخست در استرالیا زاده شد. کارگران آنجا در ۱۸۵۶ تصمیم گرفتند توقف دسته جمعی یک روز کامل کار را با جلسات و تفریحات به عنوان تجلی موافق با هشت ساعت [کار] در روز سازماندهی کنند. روز این جشن باید ۲۱ آوریل می شد. در ابتدا، کارگران استرالیایی این را فقط برای سال ۱۸۵۶ در نظر داشتند. ولی این نخستین جشن چنان اثر نیرومندی بر توده های پرولتاری استرالیا بخشید و با شادابی که بر آنان به جای گذارد منجر به تهیه [آریتاسیون] نوینی گشت که تصمیم گرفته شد جشن را هر سال تکرار کنند.

در حقیقت، چه می توانست به کارگران شهامت و ایمان بیش تری در قدرت خودشان بدهد تا یک توقف کار توده‌ای که آن‌ها خودشان آن را انتخاب کرده باشند؟ چه می توانست شهامت بیش تری به بردگان ابدی کارخانه‌ها و کارگاه‌ها بدهد تا فراخواندن گردان های خودشان؟ پس ایده‌ی جشن پرولتاری به سرعت پذیرفته شد، و از استرالیا، آغاز به گسترش در دیگر کشورها کرده تا سرانجام تمام جهان پرولتاری را فتح کرد.

نخستین نمونه ای که به دنبال کارگران استرالیایی رفتند، آمریکایی‌ها بودند. در سال ۱۸۸۶، آن‌ها تصمیم گرفتند اول [ماه] مه باید روز توقف جهانی کار باشد. در این روز ۲ میلیون نفر از آن‌ها کارشان را ترک کرده و هشت ساعت [کار] در روز را طلب کردند. بعداً، تضییقات پلیسی و قانونی کارگران را

سال ها در تکرار تظاهراتی با این [وسعت] مانع شد. معهدا در سال ۱۸۸۸ آن ها تصمیم خود را تحدید کرده و مصمم شدند که جشن بعدی در اول [ماه] مه ۱۸۹۰ باشد.

در این اثناء، جنبش کارگران در اروپا قوی تر و با تحرک تر شده بود. قوی ترین نمود این جنبش در کنگره‌ی کارگران انترناسیونال در ۱۸۸۹ رخ داد. در این کنگره، که چهارصد نماینده حضور داشتند، تصمیم گرفته شد که هشت ساعت در روز باید نخستین مطالبه باشد. پس از آن، نماینده‌ی اتحادیه‌های فرانسه، کارگر لائوین (۲) از بوردو، خواست که این مطالبه در تمام کشورها با یک توقف جهانی کار ابراز شود. نماینده‌ی کارگران آمریکا توجه را به تصمیم رفقاییش برای اعتصاب در اول [ماه] مه ۱۸۹۰ جلب کرد، و کنگره این تاریخ را برای جشن جهانی پرولتاری برگزید.

در این مورد، مانند سی سال پیش در استرالیا، کارگران واقعاً فقط یک بار تظاهرات در نظر داشتند. کنگره تصمیم گرفت که کارگران همه‌ی سرزمین ها با همدیگر برای هشت ساعت در روز در اول [ماه] مه ۱۸۹۰ تظاهرات بکنند. هیچکس از تکرار تعطیل برای سال های بعد سخنی نگفت. طبیعتاً هیچکس نمی توانست طریق برق آسایی را پیش بینی کند که با آن ایده موفق شده و چه به سرعت از طرف طبقات کارگر پذیرفته خواهد شد. معهدا، جشن گرفتن روز اول [ماه] مه به سادگی یک بار کافی بود، تا اینکه هر کس بفهمد و حس کند که روز اول [ماه] مه باید یک نهاد سالانه و پیگیر باشد...

اولین [خواست اول ماه] مه پذیرش هشت ساعت در روز را مطالبه کرد. ولی حتی پس از رسیدن به این هدف، روز [اول ماه] مه از بین نخواهد رفت. تازمانی که مبارزه‌ی کارگر به ضد بورژوازی و طبقه‌ی حاکم ادامه دارد، تا

زمانی که همه‌ی مطالبات پذیرفته نشده‌اند، روز [اول ماه] مه نموده سالانه این مطالبات خواهد بود. و وقتی که روزهای بهتری سرزنند، وقتی که طبقه‌ی کارگر جهان رستگاریش را به دست آورد- آنگاه هم بشریت احتمالاً روز [اول ماه] مه را به افتخار مبارزات تلخ و رنج‌های بسیار گذشته جشن خواهد گرفت.

روزا لوکزامبورگ

۱۸۹۴

توضیحات:

۱- متن از *Ausgewählte Reden und Schriften, II* برلین: انتشارات دیتز، ۱۹۵۱. متن اصلی در فوریه ۱۸۹۴ به لهستانی در پاریس منتشر شد. ترجمه‌ی فارسی از انگلیسی "برگزیده‌ی آثار سیاسی روزا لوکزامبورگ" مانتلی رویو، نیویورک، ۱۹۷۱، می‌باشد.

۲- *Lavigne* از *Bordeau*.

ترجمه: انتشارات سیاهکل، سازمان چریک‌های فدائی خلق، فروردین ۱۳۵۸

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: yasharazarri@gmail.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۲